

جهانی شدن

و بعد اقتصادی امنیت ملی ما

مجید عباسی اشلقی

درآمد

و انتقال بیش از پیش سرمایه بین کشورهای جهان و غیره، همگی از مصادیق بارز و مشخص جهانی شدن اقتصاد هستند.

در این اقتصاد جهانی کشورهای در حال توسعه و از جمله ایران، چه بازیگر باشند یا تماشاگر، قطعاً تأثیر خواهند پذیرفت. کشورهای مختلف نیز برای ورود به آن در حال طراحی و اجرای برنامه‌های متفاوتی هستند که محور مشترک تمامی آنها تأمین امنیت و تحصیل منافع ملی می‌باشد.

تعریف امنیت در حوزه اقتصادی را می‌توان داشتن توسعه اقتصادی مطلوب و عدم

بی‌شک جهانی شدن را باید مهم‌ترین پدیده‌ای دانست که در قرن حاضر تمام ابعاد زندگی انسانی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار خواهد داد و بروز آن موجب تغییر و تحولات بسیاری در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در عرصه بین‌المللی خواهد شد و در عین حال کشورهای بسیاری را نیز به چالش خواهد کشاند. گسترش روزافزون سازمانها و اتحادیه‌های اقتصادی منطقه‌ای نظیر آسه آن، نفتا^۲ و اکو^۳ ادغام بازارهای مالی، اتحادیه پولی کشورهای اروپایی (یورو)، ادغام بانکهای بزرگ جهان، تأسیس سازمان تجارت جهانی^۴ و قدرت یابی آن در عرصه تجارت بین‌الملل، نقل

1. ASEAN
3. ECO

2. NAFTA
4. WTO

آسیب‌پذیری اقتصادی در صورت جهانی شدن اقتصاد دانست، که به تبع خود مشکلات سیاسی و اجتماعی را نیز به همراه دارد. برای مثال بخش عمده‌ای از درآمدهای ارزی ایران وابسته به قیمت نفت است که قیمت آن خارج از اراده کشور ما بوده و براساس روند معاملات در بازار جهانی تعیین می‌گردد. بنابراین می‌توان گفت که ما از این حیث در یک وضعیت ناامن یا عدم اطمینان به سر می‌بریم.

از آنجا که بسیاری از اندیشمندان وقوع این پدیده را طبیعی، غیر قابل کنترل و اجتناب‌ناپذیر می‌دانند و به علت تأثیراتی که این پدیده بر اقتصاد ایران خواهد داشت، در پژوهش حاضر سعی خواهد شد تا تأثیرات جهانی شدن بر امنیت اقتصادی ایران، علی‌رغم کمبود منابع، در حد توان مورد بررسی قرار گیرد و به این پرسش پاسخ داده شود که «جهانی شدن چه تأثیراتی بر امنیت اقتصادی ایران خواهد داشت؟» سازماندهی پژوهش نیز در سه بخش ذیل می‌باشد:

۱- جهانی شدن اقتصاد و ماهیت آن؛
 ۲- جایگاه اقتصاد ایران در بازارهای جهانی؛
 ۳- تأثیرات جهانی شدن بر امنیت اقتصادی ایران.

۱- جهانی شدن اقتصاد و ماهیت آن

برخلاف آنچه عموماً تصور می‌شود، جهانی شدن پدیده‌ای صرفاً اقتصادی نیست بلکه تمام جنبه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی زندگی بشر امروز را علاوه بر اقتصاد، دربرمی‌گیرد، اما در این میان به نظر اکثر

کارشناسان، جهانی شدن اقتصاد بارزترین و مشخص‌ترین نمونه جهانی شدن به شمار می‌آید. به عبارت دیگر جهانی شدن در بعد اقتصادی از گستردگی، سرعت و عمق بیشتری برخوردار می‌باشد. وجه مسلط و غالب اقتصاد در فرآیند جهانی شدن به گونه‌ای است که ابعاد سیاسی و فرهنگی این فرآیند تحت تأثیر بعد اقتصادی شکل گرفته و در حال انجام است. این مهم به عین در مباحث نظری و تئوریک جهانی شدن در معنای امروزی آن جلوه‌گر است.

پدیده جهانی شدن از جنبه‌های مختلف مورد پژوهش قرار گرفته است و هریک از مکاتب مهم در روابط بین‌الملل با تکیه بر مبانی تئوریک خویش تفسیری را از این پدیده ارائه کرده‌اند. از دیدگاه رئالیست‌ها جهانی شدن تحولی جدی نیست و فرآیندی نیست که بتواند گسست تاریخی ایجاد کند. منطق روابط بین‌الملل منطق قدرت است و شرایط دموکراتیک در صحنه بین‌المللی معنایی ندارد و جهانی شدن قادر به ایجاد دگرگونی در چنین منطقی نیست، چرا که دولتهای قدرتمند هرگز حاضر به قبول شرایط دموکراتیک و برابر در عرصه بین‌المللی نیستند.^(۱) در واقع رئالیست‌ها و امروزه نئورئالیست‌ها هنوز هم قدرت، نیروی نظامی، حاکمیت، ژئوپولیتیک و منافع ملی را مهم می‌دانند و با تأکید بر ابعاد مادی قدرت معتقدند که دولتها همواره به دنبال افزایش قدرت و کسب منافع ملی هستند. عامل جغرافیا هنوز هم مهم است و وجود اختلافات مرزی میان کشورها گواه این مدعا است، حاکمیت

نیز از اعتبار و اهمیت برخوردار است و...

اما لیبرالیستها نگرشی بسیار جدی درخصوص جهانی شدن دارند. از دیدگاه آنها گسترش ارتباطات جهان را به طور فزاینده‌ای لیبرال خواهد کرد. وجود حرکت‌هایی محسوس در سراسر جهان به سوی پذیرش اقتصاد آزاد، ورود به بازارهای جهانی سرمایه‌داری و مشخصاً سازمان تجارت جهانی، اوج‌گیری جنبشهای دموکراتیک و گسترش روزافزون الگوهای غربی در فرهنگ جوامع مختلف از مبانی عینی این پدیده است. ضمن اینکه تکیه لیبرالیسم بر عقلانیت مدرن و پیروزی آن بر رقبای فکری خود نیز از مبانی عینی استدلال آنها محسوب می‌شود. آنها معتقدند که لیبرالیسم در جهت تأمین منافع انسانها عمل می‌کند و لذا نه تنها نباید در برابر جهانی شدن مقاومت کرد بلکه باید از چنین فرآیندی استقبال نمود، چرا که جهانی شدن تأمین منافع همگانی را به دنبال خواهد داشت.

در مطالعه فرآیند جهانی شدن اقتصاد، عوامل و عناصر مختلفی یافت می‌شوند که هر یک به نوبه خود در ایجاد و تداوم این فرآیند مؤثر واقع شده و می‌شوند، اما به طور کلی چهار عنصر اساسی و بنیادین که به طور ملموس چرخهای جهانی شدن اقتصاد به شمار می‌روند و سایر پدیده‌ها و عوامل جهانی شدن را تحت تأثیر قرار داده‌اند عبارتند از: رشد فناوری، تجارت جهانی^۵، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و ادغام بازارهای مالی و سرمایه‌ای از جمله عناصر اولیه و بنیادین فرآیند جهانی شدن اقتصاد به شمار می‌آیند. این نقش مهم و کارآمد به طور

در مقابل این نگرش، دیدگاه مارکسیستی قرار دارد. از دیدگاه آنها جهانی شدن مبتنی بر گسترش سرمایه‌داری در عرصه جهان و سیطره آن در اقتصاد جهانی است و در واقع جهانی شدن پوششی لیبرالیستی بر مفاهیمی چون امپریالیسم، استعمار، استعمار نو و... است. در این نگرش جهانی شدن فرآیندی است که در طی آن کشورهای سرمایه‌داری می‌خواهند با به هم ریختن ساختارها، اهداف سرمایه‌داری خویش را محقق کنند. آنها معتقد به برخورد فعال منفی

طبیعی در پیشرفت سریع فناوریهای ارتباطی و حمل و نقل و در شرایط کنونی فناوری ارتباطات الکترونیکی تبلور یافته است. در واقع انقلاب ارتباطات و اطلاعات که محصول توسعه پویای فناوری است، روند ادغامها و تملکهای فرامرزی را آسان ساخته و موانع و محدودیتهای فیزیکی و جغرافیایی را از بین برده یا خنثی ساخته است. در حال حاضر با دیجیتالی شدن بازارهای مالی و سرمایه، بسیاری از خدمات مورد نیاز در اسرع وقت و با کمترین هزینه قابل انتقال می باشد.^(۳)

افزایش همکاری جهانی برای دستیابی به فناوریهای پیشرفته تر و گستردگی جهانی تولید فناوری از پدیده های نوین در عصر جهانی شدن اقتصاد است. در حال حاضر شرکت های بزرگ تجاری و تولیدی با هدف دستیابی به فناوریهای دانش گراتر و افزایش رشد کیفی محصولات خود، همکاری گسترده ای در این زمینه دارند که ممکن است به ادغام آنها نیز منجر شود. علاوه بر این در حال حاضر فرآیند تولید و به کارگیری فناوری صرفاً به چند کشور پیشرفته مانند گذشته محصور نمی باشد و این پدیده در نتیجه اقدام شرکتهای چند ملیتی به بسیاری از کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته نیز منتقل شده است.^(۴) این وضعیت جهان گرایی فناوری را به عنوان یکی از شاخصهای مهم جهانی شدن اقتصاد مطرح ساخته و اخیراً نیز در چارچوب سازمان تجارت جهانی قوانینی برای تنظیم روند تولید، انتقال و بهره گیری از فناوری نوین به تصویب رسیده است.

توسعه کمی و کیفی تجارت در سطح جهانی از بنیادی ترین، مهم ترین و بارزترین عناصر جهانی شدن اقتصاد به شمار می آید. این عنصر که سابقه ای به قدمت فرآیند جهانی شدن اقتصاد دارد بار اصلی و اولیه این فرآیند را به دوش می کشد. اما در عصر جهانی شدن اقتصاد از اشکال سنتی و محدود خود خارج شده و در قالبهای جدید یعنی مدیریت تجارت جهانی و ظهور منطقه گرایی^۶ در پیوند با پدیده های دیگر اقتصاد جهانی یعنی سرمایه گذاریهای مستقیم خارجی و بازارهای مالی به روند روبه رشد خود ادامه می دهد. این روند در فرآیند جهانی شدن اقتصاد به اندازه ای مهم است که برخی جهانی شدن را تغییر شکل تولید، توزیع و بازاریابی کالاها و خدمات و همچنین گسترش رژیمهای تجاری بین المللی به همه کشورها تعریف می کنند. نتیجه چنین سیستمی ایجاد یک الگوی تجاری است که بازیگران مختلف منافع خود را در آن جستجو می کنند.^(۵)

امروزه جدیدترین نمود جهانی شدن اقتصاد، جریان سیال و پرتحرک سرمایه گذاریهای مستقیم خارجی با هدف کسب سود بیشتر است که با توجه به توسعه ارتباطات و اطلاعات به آسانی و با حجم عظیمی در سراسر جهان در حرکت می باشند و این موضوع زمینه ساز تحولات مهم اقتصادی در سراسر جهان و در

نهایت پویایی و حیات سرمایه‌داری جهانی است. این تحولات به‌طور خاص شامل بین‌المللی شدن تولید، رشد سریع، فناوری نوین، شکوفاشدن مزیتها در نقاط مختلف جهان و در نتیجه ظهور آثار رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه^۷ و

۲- جایگاه اقتصاد ایران در بازارهای

جهانی

تحولات و تغییرات مستمر در بازارهای جهانی منشاء تهدیدها و فرصتهای اقتصادی و بازرگانی فراوانی است. جایگاه کشورهای در این بازار ارتقاء می‌یابد که در موقعیت بهتری برای مقابله با تهدیدها و بهره‌گیری از فرصتها قرار دارند، در غیراین صورت جایگاه خود را به تدریج از دست می‌دهند و محکوم به انزوای اقتصادی و بازرگانی می‌شوند. آنچه تعیین‌کننده موقعیت بهتر و بدتر کشورهاست، داشتن آمادگی و امکان لازم برای نشان دادن واکنش مناسب، به موقع و واقع‌بینانه است که این خود نیازمند آگاهی و درک صحیح، منطقی و واقع‌بینانه از تحولات است. در سالهای گذشته بازارهای جهانی شاهد تحولات زیادی بوده که در روند بازار و جابه‌جایی جایگاه کشورها در آن تأثیر زیادی داشته است. با پیشرفت تکنولوژی در کشورهای جهان اول نه تنها توان تولید آنها بالا رفته بلکه ساختار تولید و توزیع نیز دچار دگرگونیهای عمده‌ای شده است. امروزه با پیشرفت تکنولوژی در کشورهای جهان اول افزایش تولید بدون به کارگیری مواد اولیه

در نهایت تسهیل ارتباطات اقتصادی بین‌المللی در پرتو کاهش محدودیتها و موانع دولتی می‌باشد. امروزه با آشکارشدن آثار مثبت سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی، رقابت بازرگان اقتصادی به ویژه دولتهای کشورهای در حال توسعه برای جذب و به کارگیری این منابع مالی تشدید شده است.

یکی دیگر از ویژگیها و عناصر جهانی شدن در دوران کنونی، ادغام گسترده بازارهای مالی ملی و گسترش فعالیت بازارهای دیگر بین‌المللی است. در واقع استقلال و کارکرد بازارهای مالی ملی در عصر جهانی شدن به شدت تحت تأثیر عوامل مالی و پولی بین‌المللی کاهش یافته و کمترین نوسان یا تغییر در بازارهای مالی بزرگ آثار آن به نسبت در بازارهای مالی مختلف دنیا هویدا می‌گردد. این مسئله به‌طور طبیعی یکی از زمینه‌های چالش در حاکمیت ملی^۸ دولتها در عرصه سیاست‌گذاری^۹ و مدیریت ساختار مالی و پولی آنها به شمار می‌رود. پیوستگی بازارهای مالی به ویژه بازار سهام و اوراق قرضه در میان کشورهای توسعه یافته به‌طور طبیعی مانع از دخالت بیش از حد دولت در ساختار این بازارها می‌شود و کشورهای ضعیف در اقتصاد جهانی مجبور به فعالیت در قالب فضاها ایجاد شده

7. Developing

8. National Sovereignty

9. Policy Making

طبیعی، بیشتر امکان پذیر شده است زیرا به کمک تکنولوژی توان تولید مواد اولیه از طریق روشهای تصنیعی در کشورهای پیشرفته بیشتر فراهم شده است.

این روند برای آن دسته از کشورهای جهان سومی که صادرکننده مواد اولیه طبیعی هستند تهدیدی جدی به شمار می رود زیرا با کاهش سهم صادرات مواد اولیه طبیعی، درآمدهای ارزی این کشورها با افت قابل توجهی روبه رو می شود و این افت نه تنها موجب اختلال در نظم اقتصادی و اجتماعی این کشورها می شود، بلکه از سرمایه گذاری در صنایع مولد نیز می کاهد. تهدید دیگری که در حوزه بازار جهانی برای کشورهای در حال توسعه و از جمله ایران وجود دارد رابطه ی کیفیت و قیمت کالاهاست. بدین معنی که محصولات با کیفیت و برتر را می توان با قیمت نازل تر خریداری کرد و این امر موجب رقابت چشمگیر در سیستمهای توزیع در سطح جهانی و شکستگی رابطه میان قیمت و کیفیت شده است و کشورهای در حال توسعه و از جمله ایران نیز توان مقابله چندان با این پدیده ندارند. در واقع با جهانی شدن اقتصاد، وابستگی متقابل^{۱۰} میان کشورها و اقتصادهای ملی تعمیق خواهد یافت. بازارهای مالی یک پارچه^{۱۱} خواهند شد و مبادلات تجاری گسترش خواهند یافت و مقررات زدایی و از میان برداشته شدن ضوابط حمایت گرانه بازرگانی صورت خواهد گرفت. تحول در ابعاد اقتصادی از نقش تنظیم کنندگی و حمایت گرانه دولت

ملی در عرصه اقتصاد خواهد کاست و در مواردی نیز دولت ملی را با بحران مواجه خواهد ساخت.^(۷)

۲-۱- جهانی شدن بازارها و اقتصاد جهانی

بین سالهای ۱۹۶۰ تا اواخر دهه ۱۹۹۰ در حالی که تولید جهانی از ۷۱۱۰ میلیارد دلار به ۲۱۶۰۰ میلیارد دلار رسید، بازار صادرات جهانی از ۱۲۹۷۸ میلیارد دلاریه ۳۳۸۲ میلیارد دلار جهش کرد، به عبارت دیگر، تولید جهانی سه برابر و صادرات ۲۶ برابر شد.^(۸) با توجه به این آمار مشخص می شود که به تدریج از یک سو به مشتریان برون مرزی تولیدات داخلی کشورها افزوده شده و از سوی دیگر مشتریان درون مرزی کشورها نیز برای رفع خواسته های خود به تولیدات خارجی روی می آورند. در این صورت تدریجاً تولیدکنندگان ناچارند هرچه بیشتر پاسخگوی تقاضاهای برون مرزی باشند و این امر مشوق برون گرایی و جهانی شدن بنگاههای اقتصادی و نهایتاً جهانشمول شدن اقتصاد کشورها می شود.

مشکلات ناشی از افزایش هزینه های تولید (مانند انرژی و دستمزدها)، مالیات، مقررات دست و پاگیر، محدودیتهای دولت به ویژه در زمینه واردات و...، بعضی از شرکتها را برآن داشت که به جای تولید و صادر کردن کالا و خدمات به صدور عوامل تولید از قبیل پول، ماشین آلات و ابزارهای تولید، تکنولوژی،

مدیریت و... یعنی به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی روی آورند. به علاوه بخش هر بخش از عوامل تولید و توزیع از قبیل پژوهش، توسعه، طراحی، تأمین مالی، بازاریابی، عملیات و غیره در چند کشور، نمادی از جهانشمول شدن تولید است؛ به گونه‌ای که امروزه علاوه بر شرکتهای چند ملیتی^{۱۲}، محصولات چند ملیتی^{۱۳} برای مصرف کنندگان سخت رواج یافته است.

توسعه اطلاعات و ارتباطات نیز تأثیر زیادی بر بازارهای جهانی داشته است. این تأثیر عملاً سبب تضعیف مرزهای اقتصادی و بازرگانی و فرهنگی ملتها شده و نیز موجب تعدیل اختلافات و گرایش بیشتر به تشابه بین بازارهای جهانی گردیده است. مهم تر اینکه بهبود و گسترش اطلاعات و ارتباطات منجر به کاهش هزینه‌های پولی و زمانی مربوط به مسافتها شده است و در عین حال زمینه انتقال سریع تر و کم هزینه تر تجربیات و تکنولوژیهای نوین را نیز فراهم نموده است که می‌تواند فرصت مناسبی برای کشورهای در حال توسعه باشد.

۲-۲- جایگاه ایران در بازارهای جهانی

حضور ایران در بازارهای جهانی در دهه‌های ۷۰ و ۱۹۶۰ بیشتر بر پایه صادرات نفت، پنبه، خاویار و فرش بود. ایران با تولید کمتر از ۹٪ از تولید جهانی، به کمک مزیت‌های نسبی طبیعی در مواد اولیه و نیروی انسانی تقریباً به ۳۵٪ و سپس به ۱۸٪ درصد از بازارهای صادراتی جهان دست یافت. با افزایش قیمت نفت در بازارهای

جهانی تا آغاز دهه ۱۹۸۰ سهم ایران در تولید و صادرات جهانی به طور چشمگیری بهبود یافت و سهم تولید ایران به ۶٪ درصد رسید و سهم صادرات نیز افزایش یافت. اما سهم ایران در صادرات جهانی که در دهه ۱۹۷۰ حدود ۲ درصد بود در حال حاضر به حدود ۳۴٪ درصد رسیده است^(۹) به عبارت بهتر آمارها نمایانگر آن است که سهم ایران از تجارت جهانی رو به کاهش نهاده است.

آمار ارزش صادرات دنیا در سال ۱۹۹۸، ۷ هزار میلیارد دلار و سهم ایران با وجود نفت بین ۱۲ تا ۱۵ میلیارد دلار بوده است. چنانچه بخواهیم حتی یک درصد صادرات دنیا را داشته باشیم باید ۷۰ میلیارد دلار صادرات در سال داشته باشیم^(۱۰). همچنین با توجه به جمعیت کشور اگر در یک افق بیست ساله بخواهیم از وضع موجود در تجارت جهانی به سهم عادلانه جمعیتی خود دست پیدا کنیم یعنی براساس سهم ۷۴ درصد از جمعیت جهان، در بیست سال آینده ۷۴ درصد از صادرات جهان نیز مربوط به ایران اسلامی باشد، باید نرخ رشد صادرات کشور در بیست سال آینده به طور مستمر بالای ۱۸ درصد باشد تا بتوانیم در آن موقع به صادراتی به میزان ۲۰۰ میلیارد دلار دست یابیم^(۱۱).

در دو دهه گذشته، پیوند اقتصاد ایران با بازارهای جهانی عمدتاً از طریق فروش نفت، خرید مواد اولیه و محصولات به صورت قطعات

12. Multinational Corporations

13. Multinational Products

یا کامل برای مصرف داخلی بوده است. فرار سرمایه‌ها، عدم امنیت جهت سرمایه‌گذاری، کندشدن برنامه صنعتی‌شدن، شرایط سیاسی داخلی و روابط نامطلوب خارجی توأم با تحریمهای اقتصادی، ناتوانی در جذب سرمایه‌های خارجی و غیره از عواملی است که از توان تولیدی و رقابتی کاسته و بر انزوای اقتصادی ایران افزوده است. چنان‌که در مقایسه با ابتدای دهه ۱۹۸۰ امروزه سهم ایران در تولید و صادرات جهانی به طور چشمگیری تقلیل یافته است. بی‌شک در صورت چشم‌پوشی بر صدور نفت این انزوا به مراتب شدیدتر می‌شود. آخرین اطلاعات منتشر شده توسط آژانسهای بین‌المللی نشان می‌دهد که سهم ایران در دو دهه اخیر از تجارت بین‌الملل با ۰/۰۵ درصد افت از ۰/۴۹ درصد به ۰/۴۴ درصد در سال ۲۰۰۲ رسیده است. به عبارتی ایران تقریباً یک درصد جمعیت جهان را در خود جای داده اما سهم آن در بازارهای جهانی تا سه برابر کمتر از یک درصد است.^(۱۲)

۲-۳- نفت ایران در بازارهای جهانی

بر اساس آمارهای موجود ۶۲/۵ درصد ذخایر اثبات شده نفت جهان در ۵ کشور ایران، عراق، عربستان سعودی، کویت و امارات متحده عربی قرار دارد. بر اساس این آمارها ذخایر شناخته شده نفت ایران تا سال ۱۹۹۸، ۹۰ میلیارد بشکه معادل ۸/۵ درصد از کل ذخایر شناخته شده نفت جهان بوده است و درصد تولید نفت

ایران نیز معادل ۵/۳ درصد تولید کل جهان بوده است.^(۱۳) آمارها حاکی از آنست که سهم فعلی کشورهای حوزه خلیج فارس از تولید جهانی متناسب با ذخایر شناخته شده آنها از کل ذخایر شناخته شده جهانی نیست. به طوری که در سال ۱۹۹۸، پنج کشور عمده خلیج فارس که ذخایر اثبات شده نفت آنها ۶۲/۵ درصد ذخایر اثبات شده نفت جهان است، تنها ۲۷/۴ درصد تولید نفت جهان را در اختیار داشتند.^(۱۴) علت تفاوت سهم از بازار به نسبت سهم از ذخایر شناخته شده را نباید به عدم تمایل این کشورها در داشتن سهم بیشتر از بازار جهانی مربوط دانست، حتی اگر چنین تمایلی به طور ضمنی در اظهارات مسئولان ایران مشاهده شود، مجموع بقیه کشورها هیچگاه چنین تمایلی را از خود نشان نداده‌اند. در واقع راهبرد کشورهای پیشرفته^{۱۴} یعنی کاهش نسبی مصرف نفت، یافتن منابع انرژی جایگزین و متعدد ساختن منابع عرضه نفت در سطح جهان از عوامل مهمی است که موجب کاهش سهم اوپک در بازار جهانی شده است.^(۱۵) اگرچه به علت عدم جایگزینی سریع و آسان نفت با کالاهای مشابه، تولیدکنندگان و صادرکنندگان نفت با ایجاد بازار نیمه انحصاری و کنترل نسبی قیمت‌ها توانسته‌اند تا حدودی از شدت آثار نامطلوب گسستگی در روند قیمت نفت در بازارهای جهانی بکاهند ولی روند نزولی قیمت نفت در سالهای ۹۹-۱۹۹۸ و تأثیر نامطلوب این تحولات بر

گسترش پالایشگاهها و... ولی متأسفانه هنوز هم برخی از اقلام نفتی مانند بنزین و سوخت هواپیما قسمتی از واردات ما را تشکیل می دهند که به لحاظ امنیتی پدیده ای منفی محسوب می شوند.^(۱۶)

اقتصاد ایران وابسته به درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت خام است. با توجه به اینکه قیمت نفت در بازارهای جهانی و براساس تقاضاهای کشورهای بزرگ و صنعتی تعیین می شود و بیش از ۸۰ درصد درآمدهای صادراتی وابسته به نفت می باشد، در نتیجه عمده تجارت خارجی در گرو نفت است که به لحاظ امنیت سیاسی و اقتصادی وضعیت نامطمئن و نامطلوبی را در پی دارد، چرا که با هرگونه تنش در روابط خارجی، خریداران می توانند با تحریم خرید نفت و فشار آوردن روی قیمت آن بر اقتصاد داخلی فشار وارد کرده و آن را دچار اختلال سازند.

سیاست تنش زدایی^{۱۶} در روابط بین الملل می تواند نقش مهمی در تأمین منافع ملی ما داشته باشد. سیر صعودی قیمت نفت ناشی از به کارگیری این سیاست و نزدیکی روابط ایران و عربستان به مثابه دو ستون اصلی اوپک بود. البته این یک تدبیر کوتاه مدت سیاسی است که چندان نمی توان به آن دلگرم بود، چرا که ممکن است ایران دست به تنش زدایی بزند اما کشورهای دیگر چنین کاری انجام ندهند.

15. Producers Countries

16. Dtente Policy

کشورهای تولیدکننده حکایت از آسیب پذیری آنها در کاهش قیمتها دارد. در واقع می توان گفت نفت در عین اینکه اهمیت خود را در اقتصاد جهانی حفظ خواهد کرد اما کشورهای تولیدکننده^{۱۵} باید از اتکای صرف به این ماده حیاتی اجتناب ورزند چرا که ممکن است این امر تهدیدهایی را برای اقتصاد و امنیت آنها در پی داشته باشد، چنان که کاهش قیمتها در نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ مشکلات عدیده ای نظیر بحرانهای اجتماعی، بیکاری، کاهش نرخ رشد اقتصادی، افزایش تورم و... برای این کشورها پدید آورد، که هرکدام به نوبه خود می توانند تهدیدی علیه امنیت اقتصادی و اجتماعی آنها محسوب شوند.

۳- تأثیرات جهانی شدن بر امنیت اقتصادی ایران

اقتصاد ایران در مواجهه با جهانی شدن اقتصاد با مخاطراتی مواجه است. یکی از مهم ترین مشکلات وابستگی به درآمدهای ارزی نفت می باشد و این با اقتصاد نفتی که در کشورهایی مانند نروژ، هلند، انگلستان و غیره مشاهده می شود فرق دارد، زیرا اقتصاد نفتی اقتصادی است که صنعت نفت در آن نقش مهمی دارد و این در حالی است که اقتصاد ما وابسته به درآمدهای ارزی ناشی از فروش نفت خام است و تنها در دهه اخیر است که جهت گسترش صنعت نفت و ادغام آن در اقتصاد ملی تلاش شده است. نظیر گسترش صنایع پتروشیمی،

بنابراین باید به سوی تنش زدایی گام برداشت ولی برای تضمین بلند مدت امنیت اقتصادی لازم است راهبردهای بلند مدت اندیشیده شود و با رهایی از وابستگی به نفت خام به سوی صادرات نفتی با ارزش افزوده بالاتر و همچنین موارد متنوع تر صادراتی پیش رفت.

واقعیت این است که ساختار فعلی اقتصادی کشور برای حضور جدی و سودآور در بازارهای جهانی در سطح وسیع، مناسب نیست زیرا این ساختار سبب سیاسی شدن اقتصاد کشور، ایجاد ضایعات زیاد، مشوق درون گرایی صنایع و مصون سازی آنها در برابر رقابتهای جهانی و وابستگی هرچه بیشتر فعالیتهای اقتصادی به حمایتهای پنهان و آشکار گردیده که حاصل آن پایین آمدن سطح کمی و کیفی تولید است. در نتیجه تولیدات داخلی اندک و اکثراً از توازن رقابتی لازم برای حضور در بازارهای جهانی بی بهره است و صنایعی که بتوانند در بازارهای جهانی حضور مستمر، فعال و سودآور داشته باشند بسیار محدود است. وضعیت کالاهای ایران در سطح جهانی را به لحاظ قیمت می توان در پنج دسته ذیل طبقه بندی کرد:

الف- قیمت یک سری از کالاها ارزان تر از بازار جهانی است نظیر حاملهای انرژی.

ب- قیمت یک سری از کالاها در حدود بازار جهانی است، به علاوه و منهای ده درصد نظیر طلا.

ج- قیمت یک سری کالاها حداکثر ۵۰ درصد گران تر از بازار جهانی است که

غالب کالاهای تولید داخلی در این تقسیم بندی جای می گیرند.

د- قیمت یک دسته از کالاها بین ۵۰ تا ۱۵۰ درصد گران تر از بازار جهانی است.

ه- فقط دو کالای تولیدی است که بیش از ۱۵۰ درصد گران تر از مشابه خارجی است.

قیمت متوسط اتومبیل و برنج حدوداً سه برابر مشابه خارجی است.^(۱۷)

با جهانی شدن اقتصاد که وقوع آن اجتناب ناپذیر است، کالاهای ایران در بند (الف) از مزیت نسبی برخوردارند و ایران در صف کشورهای صادرکننده باقی خواهد ماند. به نظر می رسد در بند (ب) تغییر محسوسی اتفاق نیفتد. در بند (ج) کارخانه های داخلی، مجبور به کاهش هزینه خواهند شد. این دسته از کارخانه ها اگر اقدام به کاهش هزینه و ارتقای سطح بهره وری نمایند، ورشکست خواهند شد. در بند (د) شرایط بسیار دشوار است و به نظر می رسد تعداد کمی از آنها بدون بحران وارد شرایط جدید شوند. در بند (ه) می توان پیش بینی نمود که ایران حرف چندانی برای گفتن ندارد و این دسته از کالاها در بازارهای جهانی توانایی هیچ گونه رقابتی نخواهند داشت و از قربانیان این روند خواهند بود. حال مشاهده می شود که با جهانی شدن اقتصاد ما همچنان در حوزه مواد خام و حاملهای انرژی از مزیت برخوردار خواهیم بود و این در حالی است که در دیگر حوزه ها و به خصوص در صنایع با بحران مواجه خواهیم شد چرا که از توان رقابتی لازم برای حضور در بازارهای

جهانی برخوردار نیستیم.

تشویق و تمهیدات و تدبیرهای عملی جهت آن اندیشیده شود.

فرجام

جهانی شدن به عنوان یک فرآیند اجتناب ناپذیر در حال توسعه و گسترش است و ما چه بخواهیم یا نخواهیم باید با این پدیده روبه‌رو شویم. جهانی شدن اقتصاد به صورت یک واقعیت صورت می‌پذیرد. واقعیتی که روز به روز شتاب و آهنگ تندتری به خود گرفته و چشم‌اندازی دال بر توقف این فرآیند مشاهده نمی‌شود و این بدان معناست که بازگشتی به سوی اقتصادهای به اصطلاح «مجزاشده» یا «بدون نیاز از بیرون» نمی‌باشد. لذا برای حضور مؤثر و کاهش آسیب‌پذیری و بالا بردن ضریب امنیت اقتصادی که با خود امنیت اجتماعی و سیاسی را نیز به همراه خواهد داشت و برخورد مقتضی با اثرات منفی این پدیده و بهره‌مندی از اثرات مثبت آن، استفاده از روشهای علمی، برنامه‌ریزی و داشتن استراتژی مناسب برای حضور در اقتصاد جهانی اجتناب ناپذیر و الزامی است.

۲- در بلندمدت به درآمدهای ارزی تنوع داده شود و صرفاً اتکا بر صادرات نفت خام نباشد و صادرات صنعت نفت (پتروشیمی و پالایش) نیز مورد توجه قرارگیرد. بدین معنا که به جای صادرات نفت خام، فرآورده‌های پالایش شده آن صادر شود و چون بازار فرآورده‌های پالایش شده کمتر از نفت خام تحت تأثیر قدرتهای خارجی می‌باشد لذا می‌توان با جهت‌دادن و برنامه‌ریزی بهتر در صنعت نفت، در آینده به سوی امنیت بیشتر اقتصادی گام برداشت.

۳- کشورهایی که به لحاظ اقتصادی، تجاری و فناوری از قدرت و توانایی بیشتری در عصر جهانی شدن برخوردار باشند، به مراتب نقش و تأثیر بیشتری بر سایر کشورها و به طور کلی نظام بین‌المللی خواهند داشت. در این رابطه ضمن توجه به ابعاد سیاسی و فرهنگی توسعه، بر توسعه اقتصادی به عنوان مهم‌ترین و محوری‌ترین کار ویژه دولت تأکید می‌شود. لازمه این مهم در نظام جمهوری اسلامی ایران، انجام اصلاحات عمیق در ساختار اقتصادی کشور و کاهش تشنجات و تنشهای سیاسی داخلی و تحکیم رویکرد اقتصادی در مناسبات خارجی است. این مهم نیز جز با افزایش امنیت اقتصادی و ثبات سیاسی داخلی و ارتقاء اعتبار سیاسی و اقتصادی ایران در عرصه بین‌الملل تحقق نخواهد یافت. ضعف اقتصادی در آینده،

به نظر می‌رسد در این راستا استفاده از راهبردهای زیر بتواند ما را در بالا بردن ضریب امنیت اقتصادی در مواجهه با جهانی شدن اقتصاد یاری کند:

۱- باید به صادرات تنوع داده شود. کشوری که تنها یک کالای صادراتی داشته باشد از لحاظ امنیتی در وضعیت شکننده‌ای خواهد بود. تنوع صادراتی که همانا صادرات غیرنفتی است. باید

امنیت ملی کشورها را با خطر مواجه خواهد نمود. هرچه کشوری به لحاظ اقتصادی قوی تر و توسعه یافته تر باشد کمتر در معرض خطرهای ناشی از تحریمهای اقتصادی و ناامنی سیاسی اجتماعی قرار می گیرد.

۴- با وجود موقعیت ضعیف ایران در تجارت جهانی چنانچه بتوان از نعمتهای استثنایی و

خدادادی مانند داشتن منابع طبیعی غنی در کشور و موقعیت ویژه جغرافیایی (قرار گرفتن در چهارراه گذر جهانی، شرایط ویژه برای ترانزیت کالا از شرق به غرب و بالعکس، مطرح بودن به عنوان اقتصادی ترین کشور برای مسیر عبور لوله نفت و گاز آسیای میانه به بازارهای جهانی و بازار ۳۰۰ میلیون نفری در شمال کشور) به نحو مطلوب و بهینه استفاده نمود، می توان به آینده فرصتهای مناسب در

زمینه های مختلف مانند سرمایه گذاریهای خارجی و عبور خطوط لوله نفت و گاز آسیای میانه از طریق ایران امیدوار بود و در نتیجه براستحکام اقتصادی افزود.

۵- بهترین روش دستیابی به برخی از مزایای نسبی اکتسابی، جذب سرمایه گذاریهای مستقیم خارجی است. آمارها نشان می دهند که کشورهایی که به هر علت قادر به جذب سرمایه گذاریهای مستقیم خارجی نبوده اند، در

امر صادرات نتوانسته اند چندان موفق باشند. به کمک مشارکتها و سرمایه گذاریهای مستقیم خارجی می توان کاستیهای داخلی را رفع و با استفاده از ظرفیتی بلااستفاده، توانهای بالقوه

موجود را به بالفعل تبدیل کرد. در آن صورت می توان انتظار داشت که صنایع کشور در مجموع آمادگی کافی و لازم برای مقابله با تهدیدات و بهره گیری از فرصتهای اقتصادی در بازارهای جهانی را پیدا کنند. در این راستا ایجاد تسهیلات قانونی مناسب و ایجاد امنیت سرمایه گذاری الزامی است.

۶- عدم حضور فعال، گسترده سودآور و مستمر در بازارهای جهانی و به عبارت بهتر انزوای اقتصادی سبب می گردد که کشور به بدترین نحو تحت تأثیر تحولات در بازارهای جهانی قرار گیرد. حال آنکه رقابت و حضور فعال در بازارهای جهانی سبب می شود تأثیر تهدیدهای مستقیم و غیرمستقیم انزوا که موجب کاهش توان بهره گیری از فرصتهای احتمالی می گردد، کاهش یابد.

۷- تحول اساسی ساختار اقتصادی با آزادسازی واقعی اقتصاد امکان پذیر است که در آن منابع به تدریج از بخش دولتی به غیردولتی منتقل شود و مقررات زدایی لازم صورت گیرد تا تخصیص منابع از طریق مکانیزم بازار (رقابت) و نه مکانیزم دولت (سیاسی) انجام پذیرد و انحصار و حمایت اگر در چارچوب سیاست جامع صنعتی دارای توجیه اقتصادی (امنیتی) نباشد، حذف شود.

۸- امروزه حدود ۱۳۰ کشور عضو سازمان تجارت جهانی (WTO) هستند و حدود ۸۰ درصد تجارت دنیا را به خود اختصاص داده اند. اعضای این سازمان با مصوبات خود عملاً

کشورهای غیرعضو را در بن بست قرار داده‌اند.

در این راستا ما نمی‌توانیم مستقل از قوانین و مقررات سازمان تجارت جهانی، در اقتصاد برنامه‌ریزی نماییم چرا که براساس مقررات این سازمان، کشورهای عضو می‌توانند تا ۶۰۰ درصد بر واردات کالاها از کشورهای غیرعضو تعرفه دریافت کنند، یعنی عملاً کشورهای غیرعضو چاره‌ای جز پیوستن به سازمان تجارت جهانی ندارند و باید خود را با این جریان بین‌المللی هماهنگ سازند. ورود به جهانی شدن اقتصاد عضویت در سازمان تجارت جهانی نیست، بلکه در واقع عضویت در سازمان تجارت جهانی تسهیل‌کننده حضور کشورها در فرآیند جهانی شدن اقتصاد است، به شرطی که کشورها از قدرت مناسب اقتصادی برخوردار باشند.

۹- اجرای دقیق و هدفمند سیاست تنش‌زدایی می‌تواند در کنار توسعه روابط سیاسی به گسترش روابط اقتصادی و تجاری با کشورهای مختلف و موفقیت افزایش اعتبار بین‌المللی ایران کمک کند. تنش‌زدایی در سیاست خارجی همراه با ابتکار و خلاقیت و با توجه به ماهیت مثبتی که از آن برخوردار است می‌تواند ضمن کاهش بحرانها و تنشهای فی‌مابین ایران و کشورهای مختلف، در جهت ایجاد آرامش و ثبات سیاسی و امنیتی به ویژه در منطقه و کشورهای همسایه عمل کند و به توسعه و گسترش همکاریهای اقتصادی از جنبه‌های مختلف کمک نماید.

پانوشتها

1. Anthony McGrew, **The Transformation of Democracy Globalization and Territorial Democracy**, Cambridge: Polity Press, 1997, pp. 16-17.

۲. سید محمد رضا سید نورایی، «جهانی‌شدن کشورهای در حال توسعه»، **ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی**، شماره ۱۵۶-۱۵۵، ص ۱۵۸.

۳. «ایران؛ دیپلماسی اقتصادی و جهانی‌شدن اقتصاد»، **فصلنامه راهبرد، معاونت سیاست خارجی و روابط بین‌الملل**، شماره ۲۷، بهار ۱۳۸۲، ص ۱۱۳.

4. Ngaire Woods, **The Political Economy of Globalization**, London: Mac Millan Press, 2000, p. 7.

۵. ایران؛ دیپلماسی اقتصادی و جهانی‌شدن اقتصاد، همان، ص ۱۱۴.

۶. پیشین، ص ۱۱۵.

۷. سید نورایی، همان، ص ۱۶۰.

۸. ارسطو امامی خوبی، «جای ایران در بازارهای جهانی»، **ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی**، شماره ۱۶۰-۱۵۹، ص ۲۰۰.

۹. پیشین، ص ۲۰۳.

۱۰. اسماعیل مردانی، **ایران در مسیر جهانی‌شدن**، سخنرانی در دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰/۴/۱۳.

۱۱. **روزنامه ابرار اقتصادی**، مصاحبه با دکتر نهایندیان معاون برنامه‌ریزی و اطلاع‌رسانی وزارت بازرگانی، ۱۳۷۸/۳/۳۱.

۱۲. علی طرزجانی، «نگاهی به موج سوم جهانی‌شدن و چالشهای آن»، **روزنامه همشهری**، ۱۳۸۲/۴/۱، ص ۱۰.

13. BP Amoco, **Statistical Review of world Energy**, June 1999.

14. **Ibid.**

۱۵. عباس آخوندی، «اقتصاد نفت در عصر جهانی‌شدن»، **فصلنامه سیاست خارجی**، زمستان ۱۳۷۹، ص ۱۱۰۳.

۱۶. موسی غنی‌نژاد، «ملاحظات امنیتی جهانی‌شدن در حوزه اقتصاد»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، تابستان ۱۳۷۹، ص ۱۴-۱۳.

۱۷. محمد حسین ادیب، «قربانیان بزرگ عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی»، **دوران امروز**، ۱۳۷۹/۱۲/۱۱، ص ۳-۴.